

دکتر محمد رضا باطنی

چهار گفتار درباره زبان

3

卷之三

100

100

— 1 —



فهرست

۱۰۵	- مقایسه مقولات اسم در زبان فارسی و انگلیسی
۹۵	- تحلیل معنایی چند واژه محاوره‌ای
۷۸	کوなگونیهای زبانی
۶۵	برنامه‌ریزی زبانی
۶۱	ذبانهای ساختگی
۵۵	زبان میانجی
۵۰	قلمرو کشور و قلمرو زبان
۴۷	- جامعه‌شناسی زبان
۹	۱- زبان: ثمرة تکامل بشر
۲	پیشگفتار

پیشگفتار

این کتاب از چهارمقاله تشکیل شده است. در مقاله اول (زبان: ثمره نکامل بشر) نظریاتی که درباره شالوده‌های زیستی زبان به تازگی رواج یافته مورد بحث قرار گرفته است. در این مقاله کوشش می‌شود تا نشان داده شود که زبان پدیده‌ای صرفاً اجتماعی نیست، بلکه جنبه اجتماعی آن روبنایی است که بر شالوده‌های پیش‌ساخته زیستی انسان قرار گرفته است. این مقاله در زمینه‌ای است که امروز به آن روانشناسی زبان می‌گویند. قسمتی از این مقاله در فروردین ماه ۲۵۴۵ در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران به صورت سخنرانی قرائت شد و اکنون تمامی آن برای اولین بار در این کتاب به چاپ می‌رسد. مقاله دوم (جامعه‌شناسی زبان) به بحث درباره مسائلی می‌پردازد که در مرز جامعه‌شناسی و زبانشناسی جای می‌گیرند، یا به بیان دیگر، مسائلی که از کاربرد زبان در اجتماع ناشی می‌شوند. این مقاله نخست در مجله «فرهنگ و زندگی» شماره ۲۱-۲۲ چاپ شد و با تغییراتی در اینجا تجدیدچاپ می‌شود. مقاله سوم و چهارم هردو در زمینه معناشناسی است. مقاله سوم با عنوان متفاوتی قبلًا در «مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران» شماره ۹۳-۹۴ چاپ شده است. مقاله چهارم نیز در «پژوهشنامه فرهنگستان زبان» شماره ۲ چاپ شده است.

هر یک از این مقالات واحد مستقلی است که می‌تواند بدون توجه به مقاله قبل و بعد آن مطالعه شود. این مقالات به هیچوجه جنبه فنی زبانشناسی ندارند و در نوشتن آنها خواننده غیرزبانشناس ولی علاقمند به مباحث زبان و زبانشناسی مورد نظر بوده است. امید است این کتاب بتواند در معرفی بعضی از مسائل زبانشناسی نوین گامی مؤثر باشد.

محمد رضا باطنی

قدمما در تعریف انسان گفته‌اند: «انسان حیوانی است ناطق.»^۱ این گفته کوتاه آنچنان با نظریات جدید درباره زبان تطبیق می‌کند که گاهه این تردید برانگیخته می‌شود که شاید منظور قدمما از این گفته دقیقاً همان چیزی نیست که از پژوهش‌های علمی تازه فهمیده‌می‌شود. بهر حال، این جمله را می‌توان چکیده نظریات تازه‌ای دانست که در ده سال اخیر درباره شالوده‌های زیستی زبان بین‌زیست‌شناسان، روانشناسان و زبانشناسان رایج شده، یا شاید درست‌تر باشد بگوئیم، رایج‌تر شده است. وقتی می‌گوئیم «انسان حیوانی است ناطق» درواقع قوّه نطق یا زبان راوجه تمايز نوع انسان با انواع دیگر حیوانات قرار می‌دهیم. بهیان دیگر، ادعا می‌کنیم که زبان خصیصه‌ایست منحصرآ انسانی. ولی خصوصیات دیگری نیز هست که صرفاً متعلق به انسان است، مانند لباس پوشیدن، مذهب، اخلاقی، نظام زناشویی و بسیاری دیگر. پس چرا بجای

۱- بعضی کلمه «ناطق» را باعتبار اینکه لفظ بیان‌کننده معنی و نطق یا کلام بیان‌کننده اندیشه است و نیز باعتبار اینکه اصل یونانی آن (logos) هم به معنی لفظ است و هم به معنی اندیشه که ازراه لفظ بیان می‌شود، به «اندیشه گر»؛ «صاحب شور» یا مانند آن تعبیر کرده‌اند. ما در این بحث آن را به معنی لغوی‌اش یعنی «کسی که زبان دارد و حرف می‌زند» گرفته‌ایم. البته این تعبیر مانع از آن نیست که نطق یا کلام تلویحاً مفهوم اندیشه یا شور نیز داشته باشد، ولی این مفهوم ضمنی، معنی اصلی و لغوی کلمه را که سخنگویی است از آن نخواهد گرفت.